

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

مسئله اجتماع مقربیت و مبعديت در فعل واحد

يکي از نکاتي که در این بحث مورد توجه قرار گرفته این است که، روي قول به جواز اجتماع امر و نهی، در صورتي که واجب عبادي باشد، لازم مي آید که يك فعل واحد هم عنوان مقرب و هم عنوان مبعد را پیدا کند و این معنا محال است، يعني استحاله وقوعي دارد. چيزي که عنوان مبعد دارد، صلاحیت براي اینکه مقرب واقع شود ندارد.

از همین جهت بزرگاني مثل مرحوم محقق بروجردي (ره) که در کبراي مسئله قائل به جواز اجتماع امر و نهی شده اند، اما فرموده اند که: چون در صلاه در دار غصبي، شيء و فعل واحد نمي تواند، در عين اینکه مبعد هست، مقرب باشد، لذا این صلاه باطل است.

اما بزرگان ديگري مثل امام و همچنین والد معظم ما (رضوان الله عليهم)، نظر شريفشان بر این است که، مانعي ندارد که حالاي که اختلاف در عنوان وجود دارد، يك شيء واحد، به يك عنوان، عنوان مبعد دارد اما از جهت و عنوان ديگر، عنوان مقرب را پیدا مي کند و لذا فرموده اند که: در صلاه در دار غصبي، در عين اینکه شخص، يك فعل حرام را انجام مي دهد، در عين حال عبادتش را هم انجام مي دهد و این عمل عنوان مقربیت را هم دارد.

اینجا نکته اي را که باید توجه کرد این است که، بين مسئله مقربیت و مبعديت و مسئله مصلحت و مفسده، که بحثش را ديروز عرض کردیم، آیا فرقي وجود دارد يا نه؟ ديروز عرض کردیم که اگر گفتیم: خود افعال حسن و قبح ذاتي ندارند و بلکه حسن و قبحشان، بالوجوه و الاعتبارات و العناوين هست، پس مي شود که به يك عنوان، عنوان مصلحت و به يك عنوان ديگر، عنوان مفسده را پیدا کند.

آیا مسئله مقربیت و مبعديت هم همینطور است؟ بگوئیم: يك عمل که وجوداً، ماهیتاً و خارجاً عمل واحدي است، اما چون عنوان صلاه بر این فعل انطباق پیدا مي کند، مقرب و يك عمل عبادي و صحيح مي شود. از آنطرف هم، عنوان غصب بر این انطباق دارد، پس مبعد و حرام مي شود.

آیا مسئله مقربیت و مبعديت هم، مثل مسئله مصلحت و مفسده است يا نه؟ وقتي که به عرف و عقلاء مراجعه مي کنيم، مي گویند: در جايي که يك عنوان مبعد، بر عملي صدق مي کند، ولو امکان اینکه، به يك عنوان ديگر، امر تعلق پیدا کند، وجود دارد، اما از نظر عقلائي يك چنین عملي، صلاحیت براي اینکه بالفعل تحت عنوان مقرب هم در آید، ندارد.

حالا ولو اینکه اینجا که مي رسيم، تحليل عقلائي را کنار مي گذاريم و مسئله مصلحت و مفسده را روي تحليل عقلي درست مي کنيم که، افعال عقلاً حسن و قبح ذاتي ندارند، بلکه بالوجوه و الاعتبارات و العناوين است، اما این امري است که، از تحليل عقلي به آن مي رسيم.

اما این که بخواهيم در مقام خارج، عملي را مصداق امتثال مولا قرار دهيم، علاوه بر اینکه از نظر عقلي، باید درست باشد، از نظر عرف و عقلاء هم، باید مقبول باشد و عقلاء بگویند: با این عمل، امتثال الهي را انجام مي دهد. حال وقتي به عقلاء مراجعه و سوال کنيم که، آیا فعلي که عنوان مبعد بر او تطبيق مي کند، مي تواند مقرب هم باشد؟ يعني در همان حالي که معصیت انجام مي دهد و

با همان فعلی که متعلق برای حرمت است و نه يك فعل دیگر - چون عرض کردیم که بین صلاه در دار غصبی و نظر به اجنبی در باب صلاه، فرق وجود دارد، در نظر به اجنبی در صلاه دو متعلق و فعل است، یکی نظر و دیگری صلاه، اما در اینجا يك فعل بیشتر نداریم - می‌خواهیم بگوییم: دو عنوان بر این يك فعل منطبق است؛ یکی عنوان صلاتی و دیگری عنوان غصبی. حالا به اینجا که می‌رسیم ظاهراً حق با محقق بروجردی (قدس سره) هست که، در عین حالی که فعل، عنوان مبعد دارد، نمی‌توانیم بگوییم: به لحاظ يك عنوان دیگر، عنوان مقرب الی الله را دارد. عنوان مقرب الی الله جایی است که، مکلف با همان فعل در حال معصیت نباشد. چیزی که عنوان معصیت دارد، چطور می‌تواند، در همان حال معصیت، باز عنوان مقرب الی الله را داشته‌باشد.

بنابراین نتیجه این می‌شود که، اجتماع امر و نهی در جایی که واجب توسلی باشد، مثلاً يك واجب توسلی و يك حرام، جایز باشد و هیچ مشکلی هم به وجود نمی‌آید. اما جایی که واجب، واجب عبادی است و مسئله مقربیت در کار است، نمی‌توانیم بگوییم که: این فعل در آن واحد، عند العقلاء هم مقرب و هم مبعد باشد.

نظریه محقق عراقی (ره) در این باره

اینجا يك فرمایش مفصلی مرحوم محقق عراقی (قدس سره) (نهایه الافکار، جلد يك، صفحه 415) دارند که، به بعضی از نکات فرمایش ایشان اشاره می‌کنیم، چون توجه به این فرمایش هم لازم است. مجموعاً اگر مطالب ایشان را بر حسب آنچه در تقریراتشان هست، خلاصه و جمع‌بندی کنیم، حدود 6 یا 7 مطلب در آنجا داشته‌اند.

مطلب اول: فرق بین نظر و منظور

در مطلب اول بین نظر و منظور، فرق گذاشته، فرموده‌اند: این عناوینی که، از يك وجود واحد انتزاع می‌کنیم، اختلاف این دو عنوان، گاهی اوقات در مجرد نظر است، اما آن منظور ذاتاً يك شيء واحد است. مثلاً وقتی به ذات انسان خارجی نظر می‌کنیم، يك عنوان، عنوان انسان و عنوان دیگر، عنوان حیوان ناطق است و اختلاف بین انسان و حیوان ناطق، به اجمال و تفصیل است، که از آن به «اختلاف بین العناوين في كيفية النظر» تعبیر کرده‌اند، یعنی به يك شيء واحد گاهی نظر اجمالی می‌کنیم، می‌گوییم: انسان، و گاهی نظر تفصیلی می‌کنیم، می‌گوییم: حیوان الناطق. فرموده‌اند: عناوین اینچنینی که اختلافشان، فقط در کیفیت نظر است، از محل بحث خارج است. محل بحث در آن عناوینی است که، اختلاف در خود منظور است، یعنی در آن که نظر به او تعلق پیدا می‌کند. آنوقت منظور را هم دو قسم کرده، فرموده‌اند: گاهی اوقات از يك جهت متاصله خارجی حکایت می‌کند، مثل عناوینی که از کم و کیف اشیاء، عوارض و مقولات تسعه عرضیه، حکایت می‌کند. گاهی اوقات عناوین، از يك جهت غیر اصیل حکایت می‌کند، یعنی يك امر اعتباری است. بعد فرموده‌اند که: آنچه که محل بحث در باب اجتماع امر و نهی است، این است که اختلاف کیفیت، در منظور باشد.

از همین جا هم روشن می‌شود که، ظاهراً آن مطلبی را که، مرحوم آقای خوئی (ره) در جواب مرحوم نائینی (ره) بیان کرده‌اند، که باید بین عناوین و ماهیات متاصله و ماهیات غیر متاصله فرق قائل شویم، از مرحوم محقق عراقی (ره) گرفته‌اند. ظاهراً در همین اواسط و اثناء بحث اجتماع امر و نهی بوده، که مرحوم نائینی (ره) فوت می‌کنند، چون مرحوم عراقی (ره) در کلماتشان، با اینکه با مرحوم نائینی (ره) هم عصر بوده و نظرات ایشان را به عنوان بعضی الاعلام ذکر می‌کردند و جواب می‌دادند، در اوائل بحث در این تقریرات دارند که «بعض الاعلام دام ظلّه الشریف»، اما به آخرهای بحث که می‌رسند، می‌گویند: «قدس سره».

مطلب دوم: محل نزاع جایست که منشاء انتزاعها کاملاً مختلف باشد

شما در سیر بحث هم دقت کنید، قبلاً در کلمات مرحوم نائینی(ره) اینچنین بود که بحث اجتماع امر و نهی در جایی است که، دو فعل در عالم خارج ترکیب انضمامی پیدا کنند، که گفتیم: اگر اینچنین باشد و دو فعل باشد، دیگر این جایی نزاع ندارد. اگر بگوییم: دو فعل داریم، اما ترکیب بین اینها، ترکیب انضمامی است، یکی متعلق امر و دیگری متعلق نهی، دیگر جایی برای نزاع نیست. ایشان هم همین معنا را بیان کرده‌اند، ولو اینکه قبلاً این مطلب را ندیده بودم، ولی عین همین مطلبی است که ما هم به آن رسیدیم.

در بحث، مرحوم عراقی(ره) قبلاً فرموده‌اند که: اصلاً ترکیب انضمامی و این حرفها مجالی برایش نیست. در اینجا هم فرموده‌اند که: بحث در جایی است که، يك فعل واحد، که خارجاً، وجوداً و ماهیتاً واحد است، بیشتر نداریم، اما دو عنوان دارد. تا اینجا تقریباً مشترکند که، نزاع در جایی است که يك فعل واحد، دو عنوان داشته باشد. اما اینجا که رسیده، فرموده‌اند که: مجرد اینکه يك فعل واحد، دارای دو عنوان باشد، کافی در نزاع نیست.

فعل واحدی که دارای دو عنوان است، خودش سه صورت پیدا می‌کند، که از میان این سه صورت، فقط يك صورتش داخل در محل نزاع است. این عنوان، اگر از يك منشاء انتزاعی انتزاع شود، چنانچه این منشاء انتزاع، با منشاء انتزاع دیگری تماماً و کاملاً مختلف باشد، یعنی يك وجود واحد است، که از این بُعدش که، اصلاً با منشاء انتزاع دیگری، هیچ اشتراکی ندارند، این عنوان را انتزاع می‌کنیم و از آن جهت، عنوان دیگر را انتزاع می‌کنیم. به طوری که این دو منشاء انتزاع، تماماً جدای از یکدیگرند و بینشان هیچ جهت مشترکی وجود ندارد. فرموده‌اند که: این داخل در محل نزاع است.

اما اگر منشاء انتزاع، در جزئی با هم اشتراك و در جزء دیگر با هم اختلاف دارند، و مثال زده‌اند به: «اکرم العالم و لا تکرّم الفاسق»، که این عالم و فاسق در يك ذات خارجی با هم جمع شدند، یعنی يك زيد خارجی هست که، هم عالم و هم فاسق است. ایشان فرموده‌اند که: در این عالم و فاسق، عالم را از این ذاتی که «ثبت له العلم» انتزاع کردید و فاسق را هم از ذاتی که «ثبت له الفسق» انتزاع کردید. یعنی دو منشاء انتزاع، يك جهت مشترک دارند، که ذات است و يك جهت اختلاف دارند، که در یکی علم و در دیگری هم فسق است.

لذا فرموده‌اند: اینگونه موارد که منشاء انتزاع تماماً جدای از یکدیگر نیستند، بلکه يك جهت مشترک و يك جهت غیر مشترک دارند، از محل نزاع خارج است.

لذا مرحوم عراقی(ره) فرموده‌اند: بحث «اکرم العالم و لا تکرّم الفاسق»، اصلاً در بحث اجتماع امر و نهی داخل نمی‌شود، بلکه اجتماع امر و نهی در جایی هست که، تمام منشاء انتزاع این عنوان، با تمام منشاء انتزاع عنوان دیگر، جدای از هم باشد. این را در پرانتز عرض می‌کنم که، اگر از سوال کنیم، آخوند(ره) «اکرم العالم و لا تکرّم الفاسق» را آیا در باب اجتماع می‌داند یا در باب تعارض؟ چرا؟ نائینی(ره) در باب اجتماع می‌داند یا در تعارض؟ چرا؟ امام در باب اجتماع می‌داند یا تعارض؟ چرا؟ عراقی در باب اجتماع می‌داند یا تعارض؟ چرا؟ اگر آقایان جواب این سوال را فردا بیاورند که، مثال «اکرم العالم و لا تکرّم الفاسق»، روی نظر مرحوم آخوند، مرحوم نائینی، مرحوم عراقی و روی نظر مرحوم امام(رضوان الله علیهم اجمعین)، هر کدام این مثال را از باب اجتماع می‌دانند یا تعارض؟ چرا؟

مرحوم عراقی(ره) فرموده‌اند: این از باب اجتماع نیست، چون باب اجتماع در فرضی است که، هر کدام از این دو عنوان، تمام منشاء انتزاعش با دیگری فرق کند.

چند مطلب دیگر هم در کلام ایشان باقی مانده که ان شاء الله فردا عرض می‌کنیم.

و صلّى الله علی محمد و آله الطاهرين